

آچارکشی

جامعه‌بگيرول‌کن



پورتیا عالمی

● مهر گزارش داده که «براساس آخرین آمارها، از هر ۲.۸ ازدواج در تهران یکی منجر به طلاق می‌شود».

یعنی الان طووری شده دقیققا؟ یعنی یک طوری شده که تا داری می‌گیری ول می‌کنی؟ یا همان لحظه که خطبه عقد را می‌خوانند ابتدا کیس و کیس‌کشی و بعد می‌روی اتاق بغلی و طلاق؟ الان یعنی توی همان مجلس خواستگاری بزرگ‌تراها می‌نشیند اول می‌برند و می‌دورزند وسط مراسم آنچه را که دوتختد می‌دهند دست عروس و داماد و عروس و داماد آنچه دستشان است جر می‌دهند، بعدش بزرگ‌تراها سعی می‌کنند رفو کنند و در آخر مراسم خون و خون‌ریزی که هرکسی تکه بزرگ‌تری نصیبش شود؟ البته اگر چیزی بماند؛ چون ما رفیقمان خواستند طلاق بگیرند همچنین دعوا شد که تکه‌بزرگه کوششان بود که باقی ماند، یعنی الان طوری شده که ما شدیم پدر بگیر - ول‌کن بابا؟ راهنمای ماشین چشمک می‌زند زمانش بیشتر از عمر ازدواج ماست. نمی‌شود که از هر دو، سه‌تا گرفتن یکی را ول کند. ما درواقع به این نتیجه می‌رسیم که الانم که جامعه بگیر نیست به جای اینکه شرایط گرفتن را ساده کنیم باید شرایط گرفتن را سخت کنیم که اگر کسی گرفت قضیه را ساده نگیرد تا بعد ساده ول کند.

ایں از این. اما مسئله اصلی این است که اگر از هر دوتاونصفی ازدواج یکی منجر به طلاق می‌شود، اصلا چه دلیلی دارد که بگیرند؟ یا اگر می‌خواهند بگیرند چرا باید این‌قدر سخت بگیرند؟ بابا اولش بروید پارک، دوتا بستنی قیفی با هم بخورید ببینید اصلا از شرایط هم خوشتان می‌آید. اگر دیدید با هم خوب بستنی می‌خورید و راضی هستید بروید ازدواج. نمی‌شود که زرتی ازدواج. دیده شده زرتی ازدواج می‌کنند بعد نمی‌توانند با هم بسازند، بعد طرفین می‌افتند به خودخوری. خودخوری یعنی چی؟ یعنی افسرده بشوی و خودت را بخوری، آن هم تنهاتنها و به صورت تک‌خوری که خیلی بد است و توی ازدواج تک‌خوری نداریم چون همه‌چیز باید مساوی تقسیم شود.

کنته

به‌نام‌نذر، به‌کام‌نویسنده

● این‌روزها موضوع نذر کتاب و افزایش سرانه اهدای کتاب با هدف ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و رسیدن کتاب به دست بچه‌های دورافتاده از پایتخت در حال گسترش است. دراین‌میان برخی حرکت‌ها نیز با عنوان‌هایی چون نذر کتاب و اهدای کتاب صورت می‌گیرد. به‌تازگی برخی از نویسندگان، با شعار پیوستن به نذرهای مختلف کتاب، به‌دنبال راه تازه‌ای برای فروش کتاب‌های خود با لااقل عبور از مراحل پریچ‌وخم توزیع کتاب در کشور هستند. روش کار هم بسیار ساده است؛ از آنجایی که توزیع کتاب در کشور پیچیدگی‌های فراوانی دارد و گاه صرفا با شرایط خاص (بخوانید پارتی‌بازی‌های عجیب‌وغریب) صورت می‌گیرد، پیوستن به کمپین‌های اهدای کتاب، راه خوبی برای توزیع رایگان کتاب در شهرهای مختلف است. در این روش، نویسنده قیمتی گاه پایین‌تر از پشت جلد کتاب خود را به گروه‌های نذر کتاب پیشنهاد می‌کند و آنها با هم‌فکران خود در گوشه‌وکنار ایران، کتاب را خریداری کرده و ارسال می‌کنند؛ این اما تمام ماجرا هم نیست؛ چراکه صرف حضور نام نویسنده و عنوان کتابش در حرکت‌هایی این‌چنینی، از او چهره‌ای فعال در حوزه اجتماعی و فرهنگی هم می‌سازد و زمینه را برای فعالیت‌های بعدی او نیز فراهم می‌کند، حال آنکه اولا از فروش کتاب، سودی بیش از دیگر نویسندگان عایدش شده و درثانی این امکان را برای خود ایجاد کرده است که در لوای شرکت در یک طرح خیریه، کتاب خود را بدون ریالی هزینه به دورست‌ها ارسال کند!

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۶ آبان ۱۳۹۴ • ۱۴ محرم ۱۴۳۷ • ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۲ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۳

روزنارخرا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



سلام به فردا

درباره کمپین‌های مقابله با جنگ‌افروزی اسرائیل

صلح با چاشنی آگاهی‌بخشی



محمدامین قانعیراد•

امروز خاورمیانه و فلسطین درگیر جنگ‌های گسترده‌ای است. فارغ از اینکه دلایل این جنگ‌ها چیست می‌توان پرسید نقش مردم در پایان‌دادن به این منازعات چیست؟ در تاریخ مواردی از کمپین‌های ضدخشونت و صلح را می‌توان دید که توانستند در سیاست‌های دولت‌ها تأثیرگذار شوند و جنگ را خاتمه دهند. برای مثال کمپین علیه جنگ ویتنام در ایالات متحده آمریکا که با جنبش اجتماعی وسیعی همراه شد توانست یک تحول سیاسی را ایجاد کند. نکته قابل‌توجه درباره این اعتراضات علیه جنگ، پیوندش با جنبش جوانان و تغییر در سبک زندگی آنان بود که به فراگیری آن کمک بسیاری کرد. کمپین روشنفکران فرانسه علیه جنگ فرانسه و الجزایر یکی دیگر از این کمپین‌هاست که چهره‌های شاخصی ازجمله ژان‌پل سارتر نیز در آن شرکت کردند و با حمایت از جنبش راه‌پیکش فرانسه بر خاتمه جنگ تأثیرگذار بود. این کمپین‌ها به‌ویژه در کشورهای دموکراتیک تأثیرگذار هستند زیرا دولت‌ها در کشورهای دموکراتیک که بر مبنای رای مردم تشکیل می‌شوند مجبورند برای اقناع افکار عمومی، پای منافع ملت را وسط بکشند و دلیل جنگ را



علی‌اکبر قاضی‌زاده

مرحوم حسین قندی، روزی به من گفت: «ما آخرین نسلی هستیم که روزنامه‌نگاری را تجربه می‌کنیم». فکر می‌کنم درست می‌گفت. امروز توی جیب همه یک شئی، ۲۰۰ گرمی به اسم تلفن همراه هست که آخرین اطلاعات، اخبار و سرگرمی‌ها را می‌توانند از طریق آن دریافت کنند و متأسفانه مطبوعات ما هم قافیه را به فناوری‌های تازه ارتباطات باخته‌اند. این البته بحران جهانی مطبوعات است با این تفاوت که کشورهای توسعه‌یافته سعی کرده‌اند با بالابردن استانداردهای حرفه‌ای فعالیت رسانه‌ای و مهم‌تر از آن افزایش کیفیت مطبوعات با بخشی

میراث فردا

شناخت کوروش دوراز سخنان بیراه



فریدون جنیدی

درباره کوروش، سخن‌های گوناگونی گفته شده؛ از وصف او گرفته و ستایشش تا سخنان پراکنده‌ای که این‌روزها به او نسبت می‌دهند. دراین‌میان کوروش، شخصیتی است که جهان و بزرگانش او را ستایش کرده‌اند و حتی در متون مقدس آسمانی نیز نام او برده شده است؛ از ذوالقرنینی که مولانا ابوالکلام آزاد در وصف او گفته تا آنچه که نسل امروز، جستجوگرپخته از او می‌دانند. در آستانه روزی که به نام کوروش نهاده شده، بیش از همه توجه به این نکته ضروری است که این شخصیت تاریخی و جهانی، ایران را به‌درستی و به‌دور از شعارها و سخنان بیراهی که به او منتسب می‌کنند شناخت.

درباره اهمیت کوروش و سلسله هخامنشیان، همین بس که در طول تاریخ در بسیاری از تمدن‌ها مانند هند و روم، مدرک معتبری درباره نوع پوشش و انجام فعالیت‌های روزمره چون برخورد با کارگران و... وجود ندارد درحالی‌که ما از دوهزارو ۵۰۰ سال پیش به این‌سو، به‌وضوح می‌دانیم که در تخت‌جمشید و الواح گلی پرسپولیس تمام این رسوم و آیین‌ها به ثبت رسیده است.



از دیگرسو، هخامنشیان با سیستم اداره ایالات خویش، راه و رسم کشورداری را به ملت‌های بزرگ دنیا آموختند تا جایی که امروز بسیاری از آزادی‌هایی که کوروش و دیگر پادشاهان هخامنشی از ایالات خویش وضع کرده بودند به اصل بسیاری از کنوانسیون‌های جهانی بدل شده و حکومت‌های مرکزی بزرگی را به وجود آورده است.

آنچه که در آستانه روز بزرگداشت این مرد بزرگ تاریخ ایران می‌خواهم یادآور شوم، علاوه بر خجسته‌بادگفتن‌های رایج، امیدی است که به نسل‌های آینده دارم. امیدوارم فرزندان این سرزمین بتوانند به راه پدران خود بروند و آینده‌نگوی را برای سرزمینشان با دست‌های خویش بسازند. ساخت این آینده در گرو تلاش و کوشش آنها در زمینه فرهنگ و بر بستر فرهنگ این مرز و بوم است؛ راهی که اگر اولین قدم‌ها در آن گذاشته شود، هیچ‌گاه خشکی و رخت به سرآغ جویندگان‌ش نخواهد آمد. اهمیت کوروش در عصر امروز همین یادآوری و گوشزدکردن تاریخ و فرهنگی است که ما در پیشینه خود داریم. خجسته‌باد این روز.

کشتار

اخبار در شبکه‌های مجازی دنبال می‌شوند، نه در مطبوعات

از میدان به‌درشده‌ایم

بتوانند به مقابله با رسانه‌های جدید بپردازند. ما اما متأسفانه در این تندباد دست به هیچ اقدامی نزده‌ایم و لطماتی که تاکنون دیده‌ایم و لطماتی که بعدا می‌بینیم به‌هیچ‌وجه غریب نیست؛ ماجرابی که البته خیلی قبل‌تر از تلگرام و وایبر شروع شده بود؛ درست دو دهه پیش وقتی اینترنت همه‌گیر شد، ما قافیه را باختیم. بعدتر، روزی که یک نفر در میدان التحریر با تلفن همراهش از خودش و تظاهرکنندگان فیلم گرفت و به اشتراک گذاشت ما از میدان به‌در شدیم. مطبوعات و روزنامه‌نگاری اگر می‌خواهد در وضعیت فعلی فناوری‌های ارتباطی باقی بماند باید «آموزش مداوم» را سرلوحه کار خودش قرار دهد- وگرنه با این تحریریه‌های لاغر و روزنامه‌نگارانی که خودشان مسلح شوند، بیشتر در برابر این هجوم نابرابر دوام می‌آورند. ناگفته نماند که صنعت چاپ و کاغذ هم در اینجا باید به کمک روزنامه‌نگاران بیایند که تا حدودی

آکادمی

دشواری پیش‌رو

بسیار دشوار و پرمخاطره و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد. درمان‌های تهاجمی جدید که به اشکال خوراکی (نه تزریقی) که ظاهرا سهلالوصول به نظر می‌رسند، اگرچه ریشه‌ای‌تر به مقابله با خطای پرفعالی ناسالم سیستم ایمنی بدن در انواعی از بیماری می‌پردازند، ولی به همان نسبت شناسن تضعیف سیستم دفاعی در مقابل عفونت‌های خطرناک را بیشتر می‌کنند. با همه این‌ احوال، درمان‌گران متخصص با چالش سختی روبه‌رو هستند، که یکی از آنها هم چالش استفاده از کدام دارو برای کدام بیمار است. چون هنوز پروتکل‌های درمانی دقیق و ثابت، در برخورد با تنوع انواع اشکال بیماری وجود ندارند، مسلما موضوع سلیقه و روش‌های فردی درمانگران متخصص در مقابله با بیماری، برجسته می‌شود. کسانی که هراسان با آشفتنگی و حیرانی زایلید از اضطراب، پس از وقوف ناگهانی به بیماری، به پزشکان متعدد متخصص مغز و اعصاب مراجعه می‌کنند و با سلیقه‌های مختلف در مقابله با بیماری روبه‌رو می‌شوند، بدیهی است که دچار سردرگمی و اضطراب بیشتری شوند. توصیه من به همه کسانی که با چنین تشخیصی روی خود یا عزیزان نزدیک خود روبه‌رو می‌شوند، این است که اول از همه سعی کنند پزشک مورداعتماد واحدی را برگزینند و آشفته و سرگردان از مطبی به مطب دیگر نروند. سعی کنند این حس اعتماد را به پزشک معالج خود نیز منتقل کنند، تا پزشک مربوطه با حس مسئولیت بیشتری و با احساسات عمیق‌تر همدلانه، راه‌های درمانی را برحسب مورد و متناسب با سیر بیماری و شخصیت و حال‌وهوای بیمار برگزیند. اگر در برهه‌ای از زمان پزشک شما تشخیص داد که باید با پزشک متخصص دیگری نیز درباره بیماری شما، مشاوره کند، خود او باید مسئولیت ارجاع را برعهده بگیرد. این بیماران مبتلا به اسیر و علائم بروز بیماری‌شان با هیچ‌کس دیگری شباهت کامل ندارد. بیماری در بدن آنها منحصربه‌فرد است، بنابراین هیچ بیمار مبتلا به ام‌اس نباید شرایط بیماران دیگر را الگویی برای پیش‌بینی وضعیت خود در آینده قرار دهد. باور و ایمان به روش معالجه و پزشک معالج در سیر بیماریِ ام‌اس تأثیرگذار است. فراموش نکنید که ام‌اس در وهله اول بیماری سیستم ایمنی بدن در رابطه با سلسله‌اعصاب مرکزی است. باور به درمان، از طریق محورهای ارتباطی هیجانی- عاطفی مغز با سیستم ایمنی و هورمونی، تأثیر ال‌تیم‌بخش در سیر بیماری دارد. اما باید مواظب اثربخشی نسبی باورهای غلطی هم بود که به سودجویی و فرصت‌طلبی مدعیان دروغین و حقه‌بازان بازاری در هیئتی شبه‌علمی می‌انجامد که هرروز معجون شفابخشی را برای درمان قطعی ام‌اس در بوق و کرنای رسانه‌های تبلیغاتی و شبکه‌های مجازی می‌کنند. البته باید قبول کرد زمانه سختی برای کارزاری است که بتوان فریبکاران را از میدان اعتماد و باور مردم دور نگه داشت.

اتفاق

اعجاب کاخ مرمر در چشم وزیر امور خارجه آلمان

چندبار فرصت بازدید از آن را پیدا کرده‌اند؟ نگاهی به کاخ‌های مهم دنیا که عموما کارکرد سیاسی داشته یا دارند حکایت از آن دارد که در بسیاری از آنها روی عموم مردم باز است و حتی توریست‌ها نیز می‌توانند از آن بازدید کنند؛ کاخ‌هایی چون کاخ بایکینگهام در لندن، قصر نوی‌شوان‌شتاین در جنوب آلمان، کاخ رویال‌بالاس در مادرید و حتی کاخ سفید در آمریکا قابل بازدید از سوی علاقه‌مندان هستند اما کاخی که در سال ۱۳۵۷ به فهرست آثار ملی کشور درآمد و دو سال پیش از انقلاب نیز از کاخ به موزه بدل شده، هنوز این فرصت را پیدا نکرده است تا درون بی‌نظیر و سرشار از هنر ظریف ایرانی- اسلامی خود را به ایرانی‌ها عیان کند.



سعید برآبادی، وزیر امور خارجه آلمان که برای انجام گفت‌وگوهایش در ایران به‌سر می‌برد، مجمو معماری کاخ مرمر شده و چندقیقه‌ای فارغ از گفت‌وگوها و بحث‌های سیاسی با آینه‌کاری‌ها، کاشی‌کاری‌ها و ظرافت‌های هنر ایرانی در این بنا تنها شده است. از این کاخ مدتی به‌عنوان مقر کمیته انقلاب اسلامی استفاده می‌شد. در میانه‌های دهه ۷۰ محل مجمع تشخیص مصلحت نظام و پس از پایان ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، تاکنون محل دفتر او بوده است. در زمان ساخت این کاخ، اهمیتش برای میریچ به حدی بود که بهترین معماران آن روزگار را گردهم آورد و از استاد لزاذه خواست که گنبدی شبیه به گنبد مسجد شیخ لطف‌الله بر بالایش بسازد. نهایت